



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Interpreting and Elucidating the Concept of Teacher Mission in the Lifeworld of Student Teachers: An Analysis of Teaching Philosophy Statements

Mohammadi, Hamdollah*¹

1. *Corresponding author*, Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: h.mohammadi@cfu.ac.ir

ORCID

First author's full name  <http://orcid.org/1917-2802-0002-0000>

ABSTRACT

Abstract

Article type:
Research Article

Keywords:
personal philosophy,
personal philosophy of
teaching statement, teaching
mission, student-teachers,
teacher education

Purpose: The present study aims to interpret and elucidate the concept of teacher mission from the perspective of student teachers by examining their statements of teaching philosophy. **Methodology:** The study utilized a Grounded Theory approach. Through purposive sampling and based on the criterion of theoretical saturation, 15 student teachers majoring in Counseling, Theology, and Elementary Education were selected as participants. Their personal philosophy statements were analyzed using a three-stage coding process (open, axial, and selective coding). **Findings:** The results indicate that the participants' perceptions of teacher mission were categorized into 34 open codes, 9 axial codes, and 3 selective codes. Key axial codes included guiding society toward the ultimate goal, education for a better life, teaching thinking skills, transmitting moral values, and fostering intellectual independence. These axial codes were synthesized into three selective codes: the Spiritual Role, the Social Role, and the Educational Role. **Conclusion:** In the developed model, the Spiritual Role is considered the core category, profoundly influencing the Social and Educational roles. The Spiritual Role entails striving for a deep internal understanding of relationships with oneself, God, others (people), and creation, as well as guiding student toward transcendental goals. The Social Role involves cultivating citizenship skills, educating responsible and committed citizens, and the teacher's commitment to playing an active role in achieving goals such as social justice. Finally, the Educational Role encompasses creating learning situations to make learning meaningful for students and facilitating active knowledge acquisition.

Cite this Article: Mohammadi, H. (2024). Interpreting and Elucidating the Concept of Teacher Mission in the Lifeworld of Student Teachers: An Analysis of Teaching Philosophy Statements.. *The Journal of Theory and Practice in Teachers Education*, 10(18), 1-16. <https://doi.org/10>

تفسیر و تبیین مفهوم رسالت معلمی در زیست‌جهان دانشجومعلمیان:

تحلیلی بر بیانیه‌های فلسفه تدریس

حمداله محمدی*^۱

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. Email: h.mohammadi@cfu.ac.ir

چکیده

هدف: پژوهش حاضر سعی دارد تا از طریق بررسی بیانیه‌های فلسفه تدریس دانشجومعلمیان، مفهوم رسالت معلمی را در منظر آنها تفسیر و تبیین نماید. **روش:** برای رسیدن به این هدف، از روش نظریه زمینه‌ای بهره برده شده است و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری، ۱۵ نفر از دانشجو معلمان رشته‌های مشاوره، الهیات و آموزش ابتدایی به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. بیانیه فلسفه شخصی این دانشجویان با بهره‌گیری از روش کدگذاری سه مرحله‌ای (کدگذاری باز، کدگذاری محور و کدگذاری انتخابی) مورد تحلیل قرار گرفته است. **یافته‌ها:** نتایج نشان از آن دارد که انگاره‌های دانشجو معلمان مشارکت‌کننده در این پژوهش در باب رسالت معلمی در ۳۴ کد باز و ۹ کد محوری و سه کد انتخابی دسته‌بندی شده‌اند. هدایت جامعه به سوی هدف غایی، تربیت برای زندگی بهتر، آموزش مهارت‌های تفکر، انتقال ارزش‌های اخلاقی و پرورش استقلال فکری برخی از مقولات و کدهای محوری استخراج شده هستند. این کدهای محوری در سه کد انتخابی خلاصه شده‌اند: نقش معنوی معلم، نقش اجتماعی و نقش آموزشی. **نتیجه‌گیری:** در این الگو نقش معنوی به عنوان محور به شمار می‌رود که تاثیر عمیقی بر نقش اجتماعی و آموزشی دارد. نقش معنوی شامل تلاش برای فهمی عمیق و درک درونی از روابط با خود، خدا، خلق و خلقت و همچنین هدایت متریبان به سوی اهداف متعالی است. نقش اجتماعی نیز شامل تلاش برای پرورش مهارت‌های شهروندی و تربیت شهروند مسئول و متعهد و همچنین تعهد اجتماعی معلم نسبت به ایفای نقش فعال اجتماعی در تحقق اهدافی مانند عدالت اجتماعی است. نقش آموزشی نیز شامل خلق موقعیت یادگیری برای معنادار ساختن یادگیری برای دانش‌آموزان و کسب فعال دانش است.

نوع مقاله: پژوهشی

واژه‌های کلیدی:

فلسفه شخصی، بیانیه فلسفه شخصی تدریس، رسالت معلمی، دانشجو معلمان، تربیت معلم، مربی و متربی

استناد به این مقاله: محمدی، حمداله، (۱۴۰۴). تفسیر و تبیین مفهوم رسالت معلمی در زیست‌جهان دانشجومعلمیان: تحلیلی بر بیانیه‌های فلسفه تدریس. *نظریه و عمل در تربیت معلمان*، ۱۰(۱۸)، ۱-۱۶.

بیان مسئله

آموزش فلسفه تعلیم و تربیت نقشی مهم و ضروری در تربیت معلمان دارد و با فراهم آوردن زمینه‌های فهم عمیق حرفه معلمی و عناصر بنیادین آن زمینه را برای عمل تربیتی فکورانه و اصیل فراهم می‌آورد. فهم اهداف تربیتی، مفاهیم و پیچیدگی‌های شغل معلمی بدون درک صحیح مبانی فلسفی (همانند مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و...) ممکن نیست. فلسفه تعلیم و تربیت فرصتی برای خودانتقادی و تأمل در عمل تربیتی فراهم می‌سازد و زمینه را برای درک مناسب و انعطاف‌پذیری مهیا می‌کند (داودی و کارآمد، ۱۴۰۲؛ حسنی و صادق‌زاده، ۱۴۰۱). بسیاری از پژوهشگران، آموزش فلسفه تعلیم و تربیت را گامی مهم در جهت ارتقای حرفه معلمی و بخشی مهم از فرایند تربیت معلم می‌دانند. Gomez (2017) معتقد است که معلم شدن فقط از طریق یادگیری مهارت‌های تدریس ممکن نیست و مستلزم تعهد به تفکر فلسفی و درگیر شدن با ایده‌های اساسی در حوزه تربیت است. فلسفه به معلمان کمک می‌کند تا درکی مناسب از واقعیات پیچیده تعلیم و تربیت داشته باشند و از موضع تأملی در آن بنگرند. Price (1955) معتقد است که به دلیل ابهام در مفاهیم و کلید واژه‌های آموزش و پرورش مانند تجربه، مشارکت، دموکراسی و... نیاز به فلسفه تعلیم و تربیت ضروری است. ایروانی، شرفی و یاری دهنوی (۱۳۸۶) معتقدند که آموزش مناسب فلسفه تعلیم و تربیت از طریق ایجاد انسجام در عناصر بنیادین و درونی شخصیت معلم همانند باورها و هویت و رسالت، زمینه را برای بهبود عملکرد او فراهم می‌سازد. یاری دهنوی و کریمی هاوشکی (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به پیچیدگی‌های شغل معلمی و مواردی مثل دخالت اخلاق در سطح عمل، نیاز معلمان به مهارت‌های اندیشه‌ورزی فلسفی اساسی است و تفکر فلسفی و فلسفه تعلیم و تربیت حاوی روشنگری‌های اساسی برای معلمان است. حسنی و صادق‌زاده (۱۴۰۱) هم بر این باور هستند که آموزش فلسفه تعلیم و تربیت به معلمان می‌تواند منجر به ظهور عمل تربیتی اصیل و فکورانه در آنها شده و قدرت تحلیل آنان در باب مسائل تربیتی را ارتقا بخشد. در حقیقت معلم برای درک چپستی و چرایی تربیت و اهداف تربیتی نیاز مبرم به آموزش فلسفه تعلیم و تربیت دارد.

دیدگاه‌های نوین تربیتی برخلاف الگوی کارکردگرا و اثبات‌گرایانه^۱ معتقدند که معلم تنها یک تکنسین انتقال تدریس به متریان نیست، بلکه نقش‌های بنیادین در تربیت و جامعه بر عهده دارد. الگوهای نوین در باب معلمی مانند «معلمان به عنوان روشنفکران عمومی»^۲ (Giroux, 1985)، «معلمان به عنوان کارگزاران فکور»^۳ (Schon, 1987) و «معلم به عنوان تأمل‌گر انتقادی»^۴ (Grant & Zeichner, 1984) همه بر این نکته تأکید دارند که نقش معلم نه صرف یک تکنسین انتقال اطلاعات، بلکه کارگزار فکور و انتقادی است که باید فهم بنیادین از برنامه درسی و عمل تربیتی داشته باشد و حتی به نقد آنها بپردازد. برای رسیدن به این هدف، آموزش فلسفه تعلیم و تربیت و پرورش تفکر فلسفی در تربیت معلم یک ضرورت به شمار می‌رود. حسنی و صادق‌زاده (۱۴۰۱) بر این باورند که آموزش فلسفه تعلیم و تربیت به معلمان، منجر به ارتقای سطح عمل فکورانه و خردمندانه در آنها شده و عرصه را برای ظهور عمل تربیتی اصیل فراهم می‌سازد. تربیت در مدرسه، عملی نظام‌مند است نیاز است تا معلمان به درکی عمیق از چپستی، چرایی و چگونگی آن دست یابند و فلسفه تعلیم و تربیت وظیفه چنین رسالتی را بر عهده می‌گیرد. Price (2007) نیز معتقد است که برای تحلیل واژه‌های مبهم تعلیم و تربیت، تکمیل متافیزیکی گزاره‌های واقعی تعلیم و تربیت، نیاز به آموزش فلسفه تعلیم و تربیت وجود دارد. Smith (2007) نیز فلسفه تعلیم و تربیت را راهی برای بررسی مفاهیم تربیتی به صورتی عمیق، جامع و انعطاف‌پذیر می‌داند و معتقد است که تفکر فلسفه طرح فکری روشنی برای معلمان فراهم می‌سازد.

1 - Positivist

2 - Teachers as public intellectuals

3 - Teachers as Reflective Practitioner

4 - Critical Reflective

فلسفه تعلیم و تربیت به صورت قالب‌های مختلفی بروز می‌یابد: فلسفه تربیت به منزله نتیجه تفکر فیلسوفان در مورد مسائل تربیتی، فلسفه تربیت به مثابه رشته علمی که حدود یک قرن در دانشگاه‌های جهان سابقه دارد، فلسفه شخصی (تامل معلمان و کارگزاران فکور در باب مسائل تربیتی)، فلسفه تربیتی خاص یک موسسه یا مدرسه که حاصل توافق فکورانه مربیان آن است و در نهایت فلسفه تربیتی اجتماع (گزاره‌های مدون در باب چیستی، چرایی و چگونگی تربیت که زیربنای فعال نهادهای تربیتی جامعه است (داودی و کارآمد، ۱۴۰۲). Soltis (1988) فلسفه تعلیم و تربیت را در سه بعد شخصی، عمومی و حرفه‌ای به تصویر می‌کشد و بر این باور است که بهترین نقطه ورود به مسئله فلسفه تعلیم و تربیت، بعد شخصی و اتخاذ یک فلسفه زندگی شخصی در باب مسائل تربیتی است. این بعد شامل عقاید شخصی درباره ارزشمندی، درستی، خوبی یا بدی فعالیت‌های تربیتی است. با داشتن فلسفه شخصی است که معلم می‌تواند به یک مربی اندیشمند و مستقل تبدیل شود که فقط یک دندان در ماشین بروکراتیک نظام تربیتی به شمار نمی‌رود. علی‌رغم اهمیت بعد شخصی در فلسفه تعلیم و تربیت، این بعد خیلی مورد توجه فلاسفه تربیت قرار نگرفته است. فلسفه شخصی معلم تاثیر مستقیم بر رسالت، هویت، اعتقادات و صلاحیت‌های حرفه‌ای معلم دارد و شکل دهنده بخشی از رفتارهای او در موقعیت‌های تربیتی است (ایروانی و دیگران، ۱۳۸۶). محمدی پویا و دیگران (۱۳۹۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که فلسفه آموزشی و باورهای معرفت‌شناختی معلمان و دانشجو معلمان با رویکردهای تدریس آنها ارتباط مستقیم دارد، بنابراین پرداختن به فلسفه یکی از ابعاد مهم آموزش فلسفه تعلیم و تربیت در فرایند تربیت معلمان است. در مبانی نظری سند تحول بنیادین، فلسفه شخصی اینگونه تعریف شده است: «برآیند خردورزی و تأمل معلمان و مربیان فکور که در اثر تجربه شخصی و بازاندیشی مداوم، از فرایند تربیت بصیرت و درکی حکیمانه یافته‌اند...» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۳۸).

امروزه در فرایند تربیت معلم بسیاری از کشورهای جهان، فلسفه تربیت شخصی مورد توجه قرار گرفته و تدوین «بیانیه فلسفه شخصی تدریس»^۱ به فعالیتی مهم در این راستا تبدیل شده است. در این بیانیه، دانشجو معلمان به صورتی آگاهانه باورهای فلسفی خود در باب تدریس و یادگیری متربیان را مورد بررسی قرار داده و گزارش می‌دهند (Safaei et al, 2020; Boye, 2023; Chism, 1998). O'Farrell (2015) بیانیه فلسفه تدریس را شامل چارچوبی برای بیان عقاید بنیادین معلمان در باب تدریس و یادگیری می‌داند. این بیانیه حاوی منطق و عقلانیتی است که هدایتگر عمل تربیتی و ارزش‌های مبتنی بر آن است. Chapnick (2009) بیانیه فلسفه شخصی را شامل چکیده‌ای از باورهای و ارزش‌های معلمان در باب یادگیری و تدریس و همچنین سایر عناصر تربیت همانند مدرسه و متربیان می‌داند. این بیانیه مشوق تامل عمیق بر این باورهای شخصی و ایجاد زمینه‌ای برای خودانتقادی در آنها است و می‌تواند نیاز و زمینه واقعی برای آموزش فلسفه تعلیم و تربیت برای معلمان فراهم سازد. Mandernach (2009) نیز معتقد است که بیانیه فلسفه شخصی تدریس با دو هدف نگارش می‌شود: اول اهداف بیرونی مثل ارائه آن به عنوان بخشی از رزومه کاری جهت استخدام یا در فرایند مصاحبه شغلی و دوم اهداف درونی در جهت ایجاد خودآگاهی و خودانتقادی در معلمان در باب انگاره‌های تربیتی. با وجود اهمیت گرایش فلسفه تربیت شخصی در بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز تربیت معلم در جهان، این رویکرد در فرایند تربیت معلم دانشگاه فرهنگیان چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و دانشجویان فقط در درسی مشابه به نام «پروژه» یا «کارنما» به شیوه روایت پژوهی خلاصه‌ای از فعالیت‌های خود را در درس کارورزی ثبت می‌کنند (صفایی و دیگران، ۱۳۹۹). این درحالی است که بیانیه فلسفه شخصی تدریس می‌تواند منبعی مهم برای واکاوی و اندیشیدن در باب انگاره‌های بنیادین دانشجو معلمان در باب مفاهیم بنیادین تدریس، یادگیری و هویت حرفه‌ای باشد.

1 - Personal Teaching Statement

لذا در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا از طریق بررسی بیانیه‌های فلسفه شخصی دانشجو معلمان به تحلیل و تبیین مفهوم رسالت حرفه‌ای در منظر آنها پرداخته شود. به تعبیر Korthagen (2004) در الگوسازی معلم خوب، سطوح مختلف رفتار، صلاحیت‌ها، اعتقادات و هویت را مطرح می‌کند و معتقد است که سطح رسالت یا سطح معنویت^۱، محور و مرکز این الگو به شمار می‌رود. Palmer (2007) این سطح را «قلمرو درونی زندگی معلم» نام می‌نهد و معتقد است که هویت و انسجام شخصیت فرد بر اساس آن شکل می‌گیرد. این سطح با هدف نهایی فرد در زندگی و حرفه معلمی سروکار دارد یا به عبارت کوتاه‌تر، در این سطح فرد با این سوال درگیر است که در عمق وجود فرد چه چیزی او را به انجام اعمالش وامی‌دارد. درک سطح رسالت نیازمند نوعی آگاهی فراشخصی^۲ است که حاکی از درک معنای هستی انسان به عنوان بخشی از یک کل است.

در این پژوهش از طریق واکاوی بیانیه‌های تدریس دانشجومعلمین سعی می‌شود تا به بررسی انگاره‌های آنها در باب رسالت حرفه‌ای شان پرداخته شود. بررسی انگاره‌های دانشجو معلمان در باب رسالت حرفه‌ای می‌تواند مسیر را برای تاثیرگذاری سازنده بر این فرایند تربیت معلم فراهم سازد. برخی پژوهش‌های تربیتی به مسائل مشابه پرداخته و به تحلیل فلسفه شخصی دانشجویان در ابعاد مختلف اقدام نموده‌اند. محمدی پویا و دیگران (۱۳۹۸) به بررسی رابطه بین باورهای معرفت‌شناختی و فلسفه‌های آموزشی دانشجومعلمین با رویکردهای تدریس آنها پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که رویکردهای معرفت‌شناختی موسوم به «دانش ساده» منجر به رویکرد معلم محور و اتخاذ رویکردهای سازنده‌گرایی در دانشجو معلمان منجر به سوق به سوی الگوی «شاگرد محور» در تدریس می‌شود. یاری دهنوی و شفیع‌پوری (۱۳۹۸) از طریق پژوهش‌های روایی به بررسی رابطه بین هویت حرفه‌ای و فلسفه تربیتی دانشجو معلمان پرداخته و ابعاد هویت حرفه‌ای را از این منظرها بررسی می‌کنند: نگاه فرد به هویت حرفه‌ای خویش، نگاه فلسفی فرد به زندگی و شغلش و همچنین نگاه دیگران به هویت حرفه‌ای معلمی. درک فرد از این عوامل می‌تواند در شکل‌دهی هویت منسجم حرفه‌ای یاریگر فرد باشد. محمدی و دیگران (۱۴۰۰) نیز از طریق بررسی فلسفه تربیت شخص معلمان به بررسی مسئله چرایی تربیت و چگونگی مواجهه با متریبان پرداخته‌اند. اخلاق‌مداری، کارآمدی، ارزش‌مداری و نقش تربیتی- الگویی از مهم‌ترین عناصری است که معلمان در زمینه ارتباط با متریبان به اهمیت آنها اشاره کرده‌اند. پژوهش Alemdar and Ayteç (2022) نیز حاکی از تاثیر قطعی باورهای فلسفی معلمان بر اعمال و باورهای آنها در حوزه برنامه درسی است. پژوهش Urrete (2023) نیز این نتیجه را تایید می‌کند. پژوهش‌های بیان شده به ابعاد روبنایی الگوی معلمی همچون رویکردهای تدریس، صلاحیت‌های حرفه‌ای و هویت حرفه‌ای پرداخته‌اند و توجه کافی به عناصر بنیادین فهم و هویت معلمی نداشته‌اند. این درحالی است که درک ابعاد روبنایی حرفه‌ای معلم بدون اتکا به بنیان‌های آنها در سطح رسالت و معنویت ممکن نیست و لازم است تا به بررسی عمیق مفاهیم و عناصر بنیادین هم دانشجومعلمین و معلمان در باب تربیت پرداخته شود. لذا پژوهش حاضر با ورود به عرصه رسالت معلمی به عنوان هسته بنیادین حرفه معلمی تا به تحلیل و تبیین باورهای دانشجو معلمان در باب رسالت معلمی بپردازد. کشف چنین باورهایی می‌تواند عرصه را برای تاثیرگذاری مناسب بر هویت حرفه‌ای دانشجو معلمان فراهم سازد.

¹-Spirituality

² - Transpersonal

اهداف پژوهش

هدف کلی: تفسیر و تبیین مفهوم رسالت معلمی در زیست‌جهان دانشجو معلمان از طریق بررسی بیانیه‌های فلسفه شخصی تدریس

اهداف جزئی:

- استخراج مقولات بنیادین بیانیه‌های فلسفه شخصی تدریس دانشجو معلمان در باب رسالت معلمی؛
- ارائه نظریه زمینه‌ای در باب رسالت معلمی در بیانیه‌های فلسفه شخصی تدریس دانشجو معلمان

سوالات پژوهشی

- بیانیه فلسفه شخصی تدریس دانشجو معلمان دارای چه مقولات اساسی است؟
- چه نظریه زمینه‌ای در باب رسالت معلمی در بیانیه‌های فلسفه شخصی تدریس دانشجو معلمان می‌توان ارائه داد؟

روش پژوهش

این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی است و در آن از روش پژوهش نظریه زمینه‌ای^۱ استفاده می‌شود. به تعبیر Pulla (2016)، در روش نظریه زمینه‌ای، پژوهشگر در فرایندی تعاملی و غیرخطی به مصاحبه ژرف^۲ با مشارکت کنندگان می‌پردازد و داده‌های به دست آمده را «کدگذاری» کرده از طریق ایجاد شبکه ارتباطی بین مقولات و مفاهیم استخراج شده، به تفسیر عناصر بنیادین فهم افراد اقدام می‌کند. در این روش، تعامل و فرایند مارپیچی بین مصاحبه شونده و پژوهشگر از اهمیت زیادی برخوردار است و هدف از این فرایند، کشف باورهای عمیق افراد در باب مسائل و کدگذاری آنها برای رسیدن به نظریه زمینه‌ای است. در این پژوهش برای رسیدن به نظریه زمینه‌ای و استخراج داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته^۳ یا نیمه استاندارد استفاده می‌شود. به تعبیر Flick (2009)، مصاحبه نیمه استاندارد به عنوان نوعی «مصاحبه ژرف»، روشی مناسب برای کشف و بازسازی «نظریه شخصی» در مورد مسائل است. Bloom and Crabtree (2006)، سوالات مصاحبه نیمه ساختاریافته را شامل سوالات می‌داند که از قبل به صورت بازپاسخ طراحی شده‌اند و یا در حین گفت‌وگوی مصاحبه شوند و مصاحبه‌گر بر اساس هدف مصاحبه خلق می‌شوند. کریمی و نصر (۱۳۹۲) مراحل روش مصاحبه را شامل این گام‌ها می‌دانند: تعیین هدف، طراحی، انجام مصاحبه، نگارش، تجزیه و تحلیل و گزارش نهایی. جامعه مشارکت کنندگان در این پژوهش را دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان زنجان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ تشکیل دادند. از این تعداد، بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و با در نظر گرفتن معیار اشباع نظری، تعداد ۱۵ نفر به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند، چون در این ۱۵ نفر داده‌های پژوهش به اشباع رسیده و در مشارکت کنندگان بعدی داده‌های جدیدی ارائه نگردید. ابزار اصلی پژوهش، بیانیه فلسفه شخصی تدریس بود که بر اساس الگوی Boye (2023) و Chism (1998) طراحی و در اختیار دانشجو معلمان قرار داده شد تا شش جمله ناقص زیر را تکمیل کنند:

- هدف نهایی من به عنوان معلم این است که...
- روابطی که من سعی می‌کنم با متریبانم داشته باشم...
- مهم‌ترین هدفی که من برای یادگیری متریبانم دارم...

¹ - Grounded Theory (GT)

² - In-Depth interview

³ - Semi structured

- تدریس من وقتی موفق است که...
- ارزش‌هایی که می‌خواهم به متریانم انتقال دهم شامل...
- تدریس کارآمد، تدریسی است که...

پس از آموزش نحوه تدوین بیانیه فلسفه شخصی تدریس در دروس مرتبط، از دانشجومعلم‌ان خواسته شد بیانیه خود را در حداکثر دو صفحه تدوین کنند. سپس در جلسات متعدد، بحث‌های گروهی و فردی حول محور این بیانیه‌ها برگزار شد. ادهای حاصل از بیانیه‌ها با استفاده از **کدگذاری سه مرحله‌ای** مورد تحلیل قرار گرفت: **کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی**.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش برای استخراج مفاهیم اصلی ناظر بر رسالت معلمی، ابتدا فعالیت «بیانیه فلسفه تدریس شخصی» برای دانشجویان ارائه شد و کلیه دانشجویان به تدوین و ارائه بیانیه خود پرداختند. سپس بر اساس نمونه‌گیری هدفمند، به بررسی و کدگذاری (کدگذاری باز، محوری و انتخابی) آثار اقدام شد و بر اساس اشباع نظری پژوهش، ۱۵ بیانیه مورد تحلیل قرار گرفتند و در مجموع ۳۴ کد باز از آنها استخراج شده است. فرایند پاسخ به سوالات پژوهشی به شرح زیر است:

سوال اول پژوهشی بیانیه فلسفه شخصی تدریس دانشجو معلمان دارای چه مقولات اساسی است؟

برای رسیدن به این سوال از کدهای باز و محوری استخراج شده در فرایند پژوهش بهره گرفته شده است. همانطور که بیان شده از ۱۵ بیانیه فلسفه شخصی تدریس دانشجو معلمان که به صورت هدفمند انتخاب شده بودند، ۳۴ کد باز استخراج شد و این ۳۴ کد تحت ۹ کدمحوری مقوله‌بندی شدند. جدول کدهای محوری به شرح زیر است:

جدول شماره ۱) کدهای محوری

کد محوری	کد باز
هدایت جامعه به سوی هدف غایی	ارزش بالای شغل معلمی (۱)- وسیله ربوبیت خدا (۲)- هدایت جامعه (۱)
پرورش شهروند آگاه و مسئولیت‌پذیر	تربیت شهروندان متمدن (۲)- پرورش انسان‌های آگاه و مسئولیت‌پذیر (۳)- اجتماعی شدن متریان (۴)- تربیت نسل بعدی رهبران و شهروندان دلسوز (۷)- تربیت نسل مفید برای کشور و جامعه (۹)- پرورش انسان‌های آگاه و مسئولیت‌پذیر (۱۱)- پرورش شهروندان دلسوز (۱۳)
تربیت برای زندگی بهتر	آموزش مهارت‌های زندگی (۲)- تاثیر در سبک زندگی (۳)- آموزش برای تاثیر در زندگی (۵)- تغییر زندگی (۷) تاثیر مثبت و پایدار بر زندگی متریان (۱۲)-
ترغیب برای آموختن دانش	رهایی از جهل (۲)- ترغیب برای جست و جوی دانش (۵)
آموزش مهارت‌های تفکر	پرورش تفکر نقاد (۴)- برانگیختن عواطف و قوه تفکر (۶) تشویق کنجکاوی و خلاقیت (۷) آموزش روش اندیشیدن (۲)
انتقال ارزشهای اخلاقی و انسانی	انتقال ارزشهای انسانی (۵)- تقویت ارزشهای اخلاقی و انسانی (۱۴)

ایجاد محیط فراگیر، امن و پویا (۷)	ایجاد موقعیت یادگیری مناسب
استقلال فکری متربیان (۱۰) - تاثیر بر روح و فکر متربیان (۱۳)	پرورش استقلال فکری
تربیت همه جانبه به سوی انسان کامل (۷) - رشد همه متربیان (۸) کشف استعدادها و سوق به سوی تعالی (۱۵)	فراهم ساختن زمینه رشد همه جانبه

از نکات مهم و برجسته در بیانیه‌های فلسفه شخصی تدریس دانشجو معلمان، اذعان به نقش مهم فلسفه در درک عمیق مفاهیم و عناصر تربیت است. یکی از دانشجو معلمان این نقش را چنین بیان می‌کند: «در روایت ابدی آموزش، فلسفه معلم نیروی آرامی است که کلاس را به حرکت در می‌آورد. این صدای بلند یا فخرآمیز نیست، جریان نادیده ای است که به ایده ها جان می بخشد، آنها را از صفحه برمی‌دارد و به آنها بال می‌دهد... معلمی که از روح تعلیم می‌دهد دارای فلسفه شخصی است بیش از دانش ارائه می دهد، آنها دگرگونی و تغییر را ارائه می دهند» (مشارکت کننده شماره ۵). تحلیل کدهای باز نشان از آن دارد که یکی از مضامین پرتکرار در بیانیه‌ها، نگرش فراحرفه‌ای به معلمی است. این دیدگاه‌ها معلمی را «فراخوانی معنوی»، «سفر شخصی» و هنر توصیف می‌کنند که این مفاهیم را می‌توان سنگ بنای دیدگاه معنوی در مورد شغل معلمی دانست. بنابراین بررسی بیانیه‌های فلسفه شخصی تدریس دانشجو معلمان نشان از درکی عمیق از رسالت معلم در منظر آنها دارد: «معلمی چیزی فراتر از یک حرفه است. یک فراخوان، یک هنر و بالاتر از همه، یک سفر عمیق شخصی است. هر معلمی با خود فلسفه ای را به همراه دارد فلسفه ای که مانند یک قطب نما عمل می‌کند. این فلسفه انعکاسی از ارزش‌ها، باورها و تجربیات آنهاست و نحوه تعامل آنها با متربیان و درس‌هایی را که می‌دهند راهنمایی می‌کند» (مشارکت کننده شماره ۱۲). درک عمیق از تعلیم و تربیت توسط معلم می‌تواند موجب تحول در مفهوم کلاس از مکانی برای یادگیری به محیطی برای زندگی می‌شود: «من رویای ایجاد کلاسی را دارم که فقط مکانی برای یادگیری نباشد، بلکه محیطی باشد که در آن هر متربی صرف نظر از پیشینه یا توانایی‌هایش احساس کند واقعاً دیده، شنیده شده و ارزشمند است. در این کلاس درس گرچه آموزش بخشی مهم از فعالیت‌ها است، ولی مفهومی عمیق تر از تدریس مد نظر است: «این ماموریت من است که متربیان را پرورش دهم، به آنها کمک کنم استعدادهایی را که ممکن است هنوز پنهان باشند کشف کنند، و آنها را با تمام انرژی خود به سوی زندگی های پر از معنا، هدف و صداقت راهنمایی کنم» (مشارکت کننده شماره ۲).

آنچه در این بیانیه‌ها بیشتر به چشم می‌خورد، فراتر رفتن از نقش سنتی معلم به عنوان آموزش دهنده و طرح نقش‌های نوین متنوع و چندبعدی برای معلم در حوزه تعلیم و تربیت است. این نقش‌های متنوع با توجه به ابعاد تعلیم و تربیت مطرح می‌شوند. برای مثال یکی از دانشجو معلمان رسالت معلم در تعلیم و تربیت را چنین بیان می‌کند: «هدف نهایی من این است که دانش‌آموزان را با علم و دانش آشنا کنم و مهارت استفاده از این دانش‌ها را در زندگی واقعی به آنها بیاموزم. من معتقدم که یادگیری تنها زمانی ارزشمند است که بتواند به بهبود کیفیت زندگی و حل مسائل روزمره کمک کند. از این رو، تلاش می‌کنم تا دانش‌آموزان را به سوی یادگیری عمیق و معنادار هدایت کنم و به آنها نشان دهم که چگونه می‌توانند آموخته‌های خود را به ابزارهایی مفید برای زندگی تبدیل کنند» (مشارکت کننده شماره ۱). آنچه در عقاید مشابه مطرح شده توسط دانشجو معلمان مطرح شده است، فراتر رفتن تربیت از صرف آموزش مطالب درسی و در نظر گرفتن پیوند عمیق آن با زندگی است. این نوع از تفکر در جمله این دانشجو معلم به وضوح قابل مشاهده است: «من به دنبال آن هستم که دانش‌آموزانم توانایی درک خود، دیگران و محیط پیرامون را داشته باشند و بتوانند با چالش‌های زندگی با خرد، شجاعت و انعطاف‌پذیری روبرو شوند» (مشارکت کننده شماره ۸).

در چنین محیط یادگیری متنوع و چندبعدی هدف این است که متریبان به سوی زندگی با مفهوم عمیق تر آن قدم بردارند: « ارزش‌هایی که من می‌خواهم به متریبانم منتقل کنم بسیار فراتر از دیوارهای کلاس است. قلب تدریس من تعهد به پرورش و احترام به خود، دیگران و به دنیای اطرافمان است» (مشارکت کننده شماره ۱۰). این درک عمیق موجب می‌شود تا متریبان بتوانند پتانسیل‌های خود برای یک زندگی خوب و خلاق را بشناسند و آنها را به کار گیرند. در این معنا، تربیت با ارزش‌های بنیادین و معنا عمیق زندگی پیوند می‌خورد و از صرف آموختن و تکرار دانش فراتر رفته و به فهم و تمرین عملی زندگی واقعی بدل می‌شود.

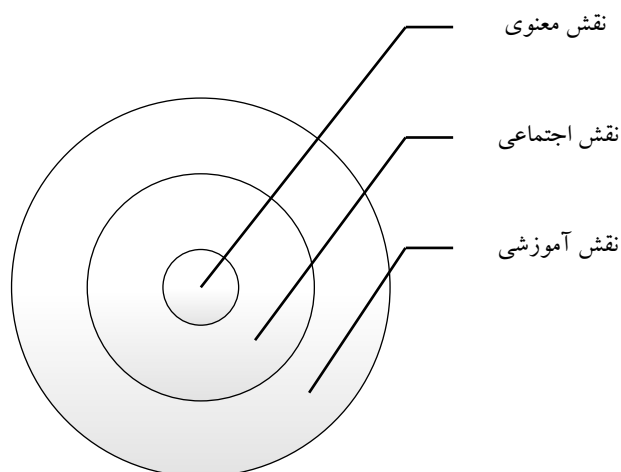
سوال دوم پژوهشی: چه نظریه زمینه‌ای در باب رسالت معلمی در بیانیه‌های فلسفه شخصی تدریس دانشجو معلمان می‌توان ارائه داد؟

با توجه به کدگذاری محور که در جدول بالا گزارش شد، انگاره‌های دانشجو معلمان در باب رسالت معلمی را می‌توان در نه محور بیان نمود. در ادامه این کدهای محوری در کدگذاری انتخابی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. کدهای محوری بیان شده را می‌توان در موضوع رسالت معلم در سه سطح زیر تقسیم‌بندی کرد: نقش معنوی، نقش اجتماعی و نقش آموزشی. بنابراین نظریه زمینه‌ای برآمده از رسالت معلمی در بیانیه فلسفه شخصی دانشجو معلمان را به صورت زیر می‌توان خلاصه کرد:

جدول شماره ۲) کدهای انتخابی

کد انتخابی	کد محوری
نقش معنوی	هدایت جامعه؛ انتقال ارزشهای اخلاقی و انسانی
نقش اجتماعی	پرورش شهروند آگاه و مسئول؛ تربیت برای زندگی بهتر؛ فراهم ساختن زمینه رشد همه جانبه؛ پرورش استقلال فکری
نقش آموزشی	ایجاد موقعیت یادگیری مناسب؛ آموزش مهارت‌های تفکر؛ ترغیب برای دانش آموختن

ارتباط این سه سطح از رسالت معلم را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:



نمودار شماره ۱) سطوح رسالت معلم

در این الگو نقش معنوی به عنوان محور و بنیاد رسالت معلمی در نظر گرفته شده است. این نقش منبعی برای عقاید و هویت حرفه‌ای معلم است که در شکل‌گیری نقش‌های دیگر تاثیر عمیق دارد. نقش اجتماعی نیز به عنوان لایه‌ای واسط میان نقش معنوی و آموزشی معلم به شمار می‌رود. نقش آموزشی عملیاتی‌ترین و بیرونی‌ترین نقش معلم است که شامل ابعاد مختلف فعالیت‌های آموزشی معلم است. در ادامه به بررسی دقیق این نقش‌های پرداخته می‌شود:

الف) نقش معنوی (لایه بنیادین)

در این الگو، نقش معنوی به عنوان مبنای رسالت معلمی و درونی‌ترین لایه رسالت معلمی به شمار می‌رود و هدف از آن هدایت متریبان به سوی هدف مطلوب و غایی است. توجه به ارزش‌های اخلاقی و انسانی و ارزش معنوی شغل معلمی از ابعاد مهم مورد تاکید مشارکت کنندگان پژوهش حاضر بوده است. یافته‌های این پژوهش در مورد نقش معنوی و محوریت آن در رسالت معلمی مورد تاکید پژوهشگران دیگر نیز قرار گرفته است. Korthagen (2004) نیز معنویت را به عنوان محور الگوی ویژگی‌های یک معلم خوب در نظر گرفته است و معتقد است که فهم عمیق و معنوی رسالت معلمی می‌تواند تاثیر مثبتی بر شکل‌گیری هویت معلمی و به تبع آن کسب صلاحیت‌های حرفه‌ای آنها دارد. Palmer (2007) نیز معتقد است که معنویت به عنوان «قلمرو درونی زندگی» نقشی اساسی در شکل‌گیری هویت معلمان دارد. به تعبیر Higgins (2011) معتقد است که تعلیم و تربیت فارغ از گرایش‌های آن، مستلزم خودشکوفایی^۱ است و تحقق شکوفایی در مرتبه‌ی در گرو خودسازی معلم است. بنابراین یک مسئله بنیادین در فهم رسالت خویش به عنوان یک معلم، فهم مناسب از نقش معنوی در فرایند تربیت است که می‌تواند نقش‌های دیگر معلم و هویت او را تحت تاثیر قرار دهد. معلم در این نقش رسالت دارد تا از ظواهر زندگی فراتر رود و به بنیادهایی توجه کند که رابطه انسان با خود، خدا، خلق و خلقت را شکل می‌دهند و از این طریق درکی مناسب از جایگاه انسان کسب کند. Barsh (2017) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که معنویت باعث تاثیر مثبت بر کارایی معلمان و در نتیجه عملکرد در زمینه یاددهی- یادگیری می‌شود. Zhang and Wu (2016) نیز بر تاثیر مثبت معنویت معلم در فرایند یادگیری متریبی تاکید دارند و معتقدند

¹ - Self Cultivation

که رابطه معنوی مناسب با مربی موجب می‌شود تا تدریس معلم از صرف انتقال مطالب فراتر رفته و به هنر تدریس بدل شود و فهمی عمیق از زندگی را برای متربیان فراهم سازد.

در نظر گرفتن نقش معنوی، باعث تغییر دیدگاه معلمان به متربیان و در نظر گرفتن ارزش‌های انسانی والا شده و نقشی مهم در کسب صلاحیت‌های حرفه‌ای و عملکرد معلمان بر عهده دارد. برای فهم این نقش، معلمان باید فهم مناسبی از تربیت و ارزش‌های ناظر بر آن داشته باشند و به پرسش‌های وجودی در باب تربیت و متربیان پاسخ دهند. Mayes (2001) معتقد است که برای ارتقای سطح تربیت معلم، باید به پرورش نقش معنویت در آن توجه نمود و در این صورت است که می‌توان الگویی مطلوب از تفکر و عقلانیت را جاری نمود. رسالت معنوی معلم شامل شناخت و درک صحیح ارزش‌های وجودی تربیت و توجه به آنها در هدایت مربی به سوی مسیر تعالی است. این نقش در منابع دینی بسیار مورد توجه قرار گرفته و بر نقش معنوی معلم در هدایت شاگرد تأکید ویژه شده است. در این نگاه، خداوند کریم خود اولین معلم بشر است و پیامبران (ع) نیز ادامه دهنده این مسیر هستند. معلم نیز به سبب داشتن علم و معرفت، رسالتی مهم در این گونه هدایت بر عهده دارد.

نقش معنوی را می‌توان به مثابه بنیاد هرم در نظر گرفت که از طریق ایجاد باورهای مناسب و شکل دادن به هویت معلمان آنها را به سوی کسب صلاحیت‌های حرفه‌ای رهنمون می‌شود و تاثیر عمیقی بر نقش اجتماعی و آموزشی معلم دارد. معلم بدون در نظر گرفتن نقش معنوی به تکنسین آموزشی بدل می‌شود که گرچه ممکن است از لحاظ فنی مسلط به آموزش باشد، ولی در ساحت نگرشی فاقد جهت‌گیری و انگیزه مناسب تربیتی و آموزشی است. نقش معنوی معلم نه تنها بر نگرش و عمل تربیتی معلم موثر است، بلکه از طریق تأثیر مستقیم بر روابط تربیتی، به تعالی تربیت و سیر به سوی اهداف انسانی منجر خواهد شد. در سال‌های اخیر با ظهور بازاری‌سازی تعلیم و تربیت و تلقی معلم به عنوان فروشنده و مربی به عنوان خریدار خدمات آموزشی، نقش معنوی معلم روزه روز بیشتر مورد غفلت قرار می‌گیرد. در این فضا، مدرسه به عنوان یک بنگاه تجاری در نظر گرفته می‌شود که در آن کالای دانش و خدمات آموزشی عرضه می‌شود و مربی مصرف کننده این خدمات آموزشی است. معلمان و مدارس باید در فضای خصوصی شده برای عرضه این کالاها با هم رقابت کنند و با رعایت اصول مشتری‌محوری به جذب هرچه بیشتر مشتری اقدام کنند (Mohammadi, 2025). بازاری‌سازی تربیت موجب تحول در نقش معلم و نادیده انگاشتن نقش معنوی و اخلاقی او در جهت اهداف آرمان‌های غایی انسانی می‌شود. در الگوی فکری بازار محور نئولیبرالیسم¹ فضایل اخلاقی معلم مانند صبوری، تفکر نقاد، خلاقیت و توجه به ارزش‌های غایی جای خود را به مهارت‌های بازاریابی، رقابت و سودآوری می‌دهند. احیای نقش معنوی معلم می‌تواند راهی برای جلوگیری از چنین فروکاهش نامیمون نقش معلم به یک فروشنده دانش باشد.

ب) نقش اجتماعی؛ لایه میانی

بعد دوم در باب رسالت معلمی، مربوط به نقش اجتماعی معلم است. در این نقش، معلم رسالتی اساسی برای تربیت نسلی مناسب جامعه را بر عهده دارد. نقش اجتماعی را می‌توان مسیری برای تحقق و عملیاتی نمودن اهداف غایی درک شده در نقش معنوی دانست که از طرف دیگر مسیر را برای نقش اجتماعی نیز مهیا می‌سازد. ارتباط نقش اجتماعی با نقش معنوی به صورت ارتباطی دوسویه است. از طرفی نقش معنوی منبع نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که دیدگاه اجتماعی معلم را تشکیل می‌دهند و از طرف دیگر حضور در اجتماع می‌تواند عرصه‌ای برای آزمون ارزش‌ها و اعتقادات مربوط به نقش معنوی معلم باشد.

نقش اجتماعی در وهله اول مرتبط با پرورش شهروند مسئول و آگاه است. به تعبیر White (2010) پرورش شهروندی چه به صورت هدفی جامع که پوشاننده اهداف دیگر است یا هدفی در کنار اهداف دیگر، همواره به عنوان یکی از اهداف

¹ - Neoliberalism

مهم تربیتی به شمار می‌رفته است. به گزارش Mutch (2005) تربیت شهروندی یکی از اهداف مهم تربیت رسمی در کشورهای مثل انگلستان، آمریکا، استرالیا، نیوزیلند و کانادا به شمار می‌رود و به معنای آماده ساختن نسل جوان برای بر عهده گرفتن نقش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی به عنوان یک شهروند است. نقش اجتماعی معلم شامل تلاش از طریق برنامه درسی آشکار و پنهان برای آموزش مهارت‌های شهروندی و پرورش شهروند مسئول است. به تعبیر Dewey (2010) مدرسه به عنوان یک جامعه کوچک است که در آن متریبان به تمرین دموکراسی می‌پردازند و معلم نیز در این راستا نقشی مهم بر عهده دارد تا از طریق ایجاد موقعیت دموکراتیک، فضایی را برای تمرین مهارت‌های اساسی شهروندی مانند گفت‌وگوی برابر، احترام، تبعیت از قانون، تحمل، تفکر انتقادی، مشارکت و... فراهم سازد. تحقق این اهداف مهم تربیتی در گرو توانمندی معلم و بهره‌مندی خود او از مهارت‌های اساسی شهروندی است. بنابراین نقش اجتماعی معلم برای تحقق تربیت شهروندی مناسب و سیر به سوی جامعه دموکراتیک اساسی است. از منظر مشارکت کنندگان این پژوهش، پرورش مسئولیت‌پذیری، مهارت‌هایی برای زندگی بهتر، رشد همه جانبه و پرورش استقلال فکری از ابعاد مهم نقش اجتماعی معلم در فرایند تعلیم و تربیت هستند.

البته نقش اجتماعی معلم فقط در بعد آموزشی و داخل مدرسه خلاصه نمی‌شود و به تعبیر Giroux (1985) معلم باید به عنوان «روشنفکر عمومی و تحول آفرین» در عرصه‌های مختلف اجتماعی فعال بوده و مشارکت کند. تلاش برای تحقق اهداف مهم اجتماعی مانند عدالت اجتماعی و رفع تبعیض از اهداف مهمی است که نقش اجتماعی معلم باید دنبال کند. این بعد از نقش اجتماعی شامل تعهد و تلاش برای ایجاد آگاهی عمومی و رفع مشکلات ساختارهای اجتماعی در تلاشی گروهی است و معلم باید یکی از پیشروان حرکت‌های اجتماعی برای عدالت باشد. معلم فقط یک تکنسین بدون دیدگاه سیاسی نیست، بلکه او وظیفه دارد تا در باب اهداف تدریس خود و علایق بنیادین برنامه درسی به نقد بپردازد و نقش خود در تحقق این اهداف را زیر سوال برد.

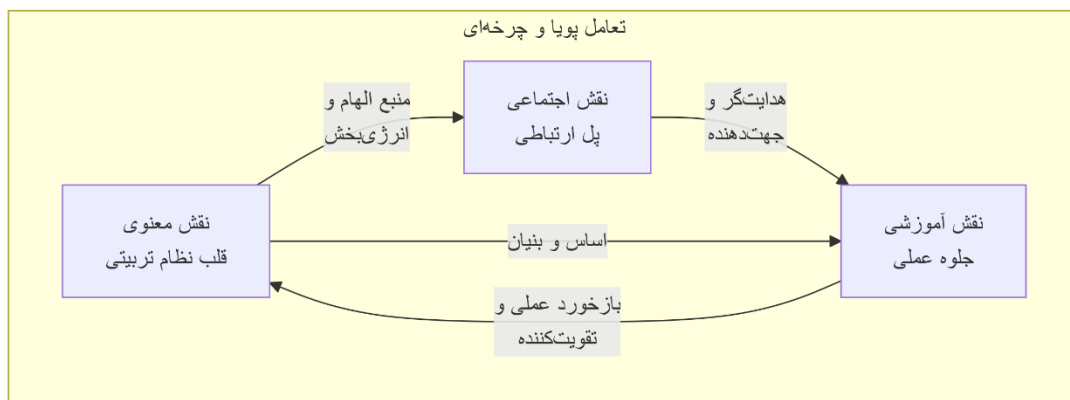
ج) نقش آموزشی؛ لایه بیرونی

بعد سوم و بیرونی‌ترین لایه رسالت معلم، نقش آموزشی او است و که آن را می‌توان در حکم لایه اجرایی دو نقش قبلی دانست. نقش آموزشی از طرفی متأثر از نقش معنوی و اجتماعی معلم است و از طرف دیگر می‌تواند منبعی برای بازخورد به نقش‌های دیگر نیز به شمار رود. معلم به عنوان یکی از عناصر مهم برنامه درسی، رسالتی مهم در تحقق اهداف یاددهی-یادگیری بر عهده دارد. او باید از طریق طراحی موقعیت‌های یادگیری مناسب و بهره‌گیری مناسب از محیط اجتماعی و فیزیکی، فرصت‌های مناسبی را برای یادگیری فراهم سازد و از طرف دیگر نسبت به ارزیابی نتایج یادگیری نیز اقدام کند. طراحی موقعیت یادگیری مناسب و ترغیب متریبان به یادگیری مهارت‌های تفکر و همچنین ترغیب به آموختن دانش از موارد مورد تاکید مشارکت کنندگان این پژوهش در راستای نقش آموزشی معلم است. برای خلق موقعیت یادگیری مناسب، بهره‌گیری از الگوهای نوین تربیتی مثل سازنده‌گرایی¹ می‌تواند مفید باشد. در این الگو نقش معلم به عنوان «تسهیل‌گر یادگیری» است و سعی دارد تجارب یادگیری مناسبی برای متریبان فراهم سازد تا آنها مبتنی بر دانش و تجارب پیشین خود دانش را برای خود معنادار سازند. بنابراین در محور نقش آموزشی معلم، خلق موقعیت برای متریبان است تا آنها از طریق درگیری فعال در فرایند کسب تجارب تربیتی، دانش را از آن خود کنند و آن را معنادار سازند. این نقش معلم نسبت به نقش سنتی انتقال دانش، به سطوحی پیچیده از مهارت‌ها و دانش حرفه‌ای نیاز دارد که شامل شناخت دقیق منابع یادگیری، سطوح شناختی متریبان، تفاوت‌های فردی، محیط‌های یادگیری و مهارت در طراحی فعالیت‌های یادگیری در جهت درگیر کردن یادگیرندگان است.

¹ - Constructivism

نقش آموزشی معلم خود شامل انواعی ریزنقش‌ها است. Harden and Crosby (2000) ارائه اطلاعات، توسعه منابع یادگیری، ارزیابی، برنامه‌ریزی و تسهیل‌گری را ابعاد مختلف نقش معلم در فرایند آموزش می‌داند. بنابراین نقش آموزشی معلم قبل، حین و بعد از فرایند تدریس شامل فعالیت‌هایی پیچیده و حرفه‌ای است و برای ایفای این نقش‌ها نیاز به آموزش مناسبی از صلاحیت‌های حرفه‌ای است. بنابراین نقش آموزشی معلم فراتر از طراحی ارائه تدریس به صورت خطی است و شامل طراحی محیط یادگیری با بهره بردن از منابع یادگیری نوین مثل فناوری اطلاعات است. برای رسیدن به این اهداف و ایفای مناسب نقش آموزشی نیاز است معلم همگام با تغییرات آموزشی نوین منعطف بوده و به صورت مستمر به بازآموزی خود و کسب صلاحیت‌های نوین اقدام کند.

در یک جمع‌بندی ارتباط بین سه نقش معلم را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:



شکل شماره ۲) ارتباط نقش‌های سه‌گانه معلمی

طبق یافته‌های این الگو غفلت در هر یک نقش‌های معلم باعث بی‌توجهی به بعدی حیاتی از رسالت او می‌شود. یکی از این فروکاهش‌ها، کاستن نقش معلم به تکنسین ارائه تدریس است که موجب نادیده گرفتن نقش معنوی و اجتماعی او می‌شود. در این معنا معلم فارغ از دیدگاه سیاسی و اخلاقی خاص با بهره‌گیری از روش‌ها و تکنیک‌های فنی در پی انتقال محتوا به متریان است و تلاش دارد تا فارغ از نگاه انتقادی، متریان را برای کسب نتایج مناسب آموزشی همانند موفقیت در ارزیابی‌های استاندارد مهیا سازد. ژيرو (۲۰۰۵) این نگاه تکنوکراتیک و ابزارگرایانه^۱ را به نقد می‌کشد و در مقابل معتقد است که کاستن نقش معلم به تکنسین موجب نادیده گرفتن بعد سیاسی و اجتماعی حرفه او در راستای ایجاد جامعه دموکراتیک می‌شود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش با Korthagen (2004) شباهت دارد. در هر دو پژوهش نقش آموزشی بر مبنای هسته محوری بنیان نهاده شده است که این هسته متشکل از باورها و عقاید معلمان در باب هویت حرفه‌ای و هدف نهایی حرفه معلمی است. بر این اساس فهم مناسب از عناصر بنیادین حرفه معلمی می‌تواند منجر به توسعه مهارت‌های حرفه‌ای شود و فعالیت معلم را بهبود بخشد. یاری دهنوی و اپورواری (۱۴۰۰) هم یافته مشابهی دارد و فهم فلسفی معلمان از هویت حرفه‌ای خویش را مسیری برای هویت مسنجم حرفه‌ای در معلم می‌داند. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با Alemdar and Aytac (2022)، Urrete (2023)، ایروانی و دیگران (Irvani et al, 2008) نیز همسو است و

¹ - Instrumental

همه بر فهم فلسفی و معنوی حرفه معلمی به عنوان پیش نیاز عملکرد مناسب تاکید دارند. در این پژوهش از طریق بررسی بیانیه‌های فلسفه شخصی دانشجو معلمان به تحلیل انگاره‌های آنها در باب رسالت معلمی پرداخته شد. برای رسیدن به این هدف، بیانیه فلسفه شخصی دانشجویان از طریق روش کیفی «نظریه زمینه‌ای» مورد کدگذاری و تحلیل قرار گرفت و مقولات و محورهای مهم مورد آن کشف و بررسی شد. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که در بیانیه فلسفه شخصی دانشجویان به عناصر مهمی از رسالت معلمی اشاره شده که آنها را می‌توان در یک الگوی سه سطحی خلاصه کرد: نقش معنوی، نقش اجتماعی و نقش آموزشی. نقش معنوی به عنوان محور این الگو قرار دارد و منظور از تجارب درونی یک معلم در راستای معنادار ساختن روابط با خود، خدا، خلق و خلقت و فهم عمیق ارزش‌ها و اصول اخلاقی و انسانی است. چنین فهم درونی بی‌گمان عرصه را برای کسب صلاحیت‌های حرفه‌ای در هر سه بعد دانش، نگرش و مهارت فراهم می‌سازد و تاثیر عمیقی بر تجارب یادگیری متریبان و روابط تربیتی جاری در فرایند تربیت خواهد داشت. نقش دوم مربوط به نقش اجتماعی است و منظور از آن تلاش معلم برای پرورش مهارت‌های و شایستگی‌های پایه برای زندگی شهروندی مناسب است. در این نقش معلم وظیفه دارد تا فضایی ایجاد کند که در آن متریبان بتوانند به صورتی برابر به تمرین مهارت‌هایی مثل گفت‌وگو، احترام، کارگروهی، مشارکت، تفکر انتقادی و... بپردازند و در عمل دموکراسی را تمرین کنند. توانمندی معلم در این حوزه‌ها برای طراحی چنین موقعیتی ضروری و اساسی است. نقش اجتماعی معلم از طرف دیگر شامل تعهدی عمیق نسبت به تلاش برای آرمان‌های اجتماعی مانند عدالت و رفع نابرابری در فضای واقعی جامعه است. در این معنا معلمان باید پیشرو جریان‌های اجتماعی باشند و از طریق فعالیت‌های فرهنگی به ارتقای آگاهی عمومی در جامعه کمک کنند. سومین نقش هم مربوط به نقش آموزشی است که هدف از آن خلق موقعیتی مناسب برای کسب تجارب یادگیری و معنادار ساختن دانش برای متریبان با توجه به ساخت شناختی و تجارب قبلی آنها است.

الگو و نظریه زمینه‌ای این پژوهش دلالت مستقیم در باب تربیت معلم دارد. توجه به نقش معنوی معلم باید در تربیت معلم نیز مورد توجه قرار گیرد. آموزش مناسب فلسفه تعلیم و تربیت یکی از مسیرهای مهم برای این هدف است. در شرایط فعلی آموزش فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه فرهنگیان فقط شامل دروسی مثل فلسفه تربیتی اسلام و اصول و مبانی تعلیم و تربیت است و به نظر می‌رسد که احیای درس فلسفه آموزش و پرورش برای توسعه فهم فلسفی از تربیت ضروری است. در کنار این دروس می‌توان دروسی مثل مربیان بزرگ تربیتی را نیز آموزش داد که شامل بررسی دیدگاه‌های تربیتی مربیان بزرگ جهان و اسلام همانند روسو، کمنیوس، لاک، ابن سینا، غزالی و... است. علاوه بر این در بعد اجتماعی نیز باید به نقش اجتماعی معلمان توجه داشت و در فرایند تربیت معلم فضایی برای مشارکت اجتماعی، سیاسی و حرفه‌ای دانشجو- معلمان در باب مسائل تربیتی مهیا ساخت. تشکیل همایش‌ها، توسعه فعالیت تشکلات دانشجویی و توسعه نقش دانشجویان در نقد سیاست‌های آموزشی می‌تواند در مسیر تقویت نقش اجتماعی معلم مناسب باشد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله توسط یک نویسنده پژوهش و تدوین شده است و نویسنده دیگری در آن مشارکت نداشته است.

تشکر و قدردانی

از همه دانشجو معلمان عزیز که در فرایند پژوهش این مقاله ما را یاری کردند نهایت تقدیر و تشکر را داریم.

تعارض منافع

این مقاله شامل هیچ تعارض منافعی نیست.

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

منابع

- ایروانی شهین، شرفی جم محمدرضا، یاری دهنوی مراد. (۱۳۸۷) چرا معلمان به آموختن فلسفه تعلیم و تربیت نیاز دارند؟. *تعلیم و تربیت*. ۲۴ (۱) (مسلسل ۹۳): ۳۳-۶۷. <https://sid.ir/paper/87728/fa>
- حسنی، محمد و صادق زاده، علیرضا. (۱۴۰۱). *تبیین فلسفه تربیت رسمی و عمومی (تربیت مدرسه‌ای)*. تهران: انتشارات دانشگاه فرهنگیان
- داودی، محمد و کارآمد، حسین. (۱۴۰۲). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات دانشگاه فرهنگیان
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰) *سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران*.
- صفایی، محمد حسین؛ فاندی، یحیی؛ ضرغامی همراه، سعید؛ کشاورز، سوسن. (۱۳۹۹). تحلیل تطبیقی ساختار بیانیه فلسفه تدریس دانشگاه فرهنگیان با دانشگاه‌های منتخب. *نظریه و عمل در برنامه درسی*. ۸ (۱۶)، ۳۹۵-۴۲۴
- محمدی پویا، فرامرز، محمدی پویا، سهراب، زارعی، احمد، و خسروی، مهدیه. (۱۳۹۸). رابطه باورهای معرفت‌شناختی و فلسفه‌های آموزشی با رویکردهای تدریس دانشجو معلمان. *تدریس پژوهی*، ۷ (۳)، ۲۹-۵۱.
- یاری دهنوی، مراد و شفیع‌ی اپورواری، نعمیه. (۱۴۰۰). واکاوی تجربه زیسته دانشجو معلمان از تعامل هویت حرفه‌ای و فلسفه تربیت شخصی آنها. *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*. ۹ (۱۶)، ۳۱۹-۲۹۳.
- یاری دهنوی، مراد و کریمی هاوشکی، مجتبی. (۱۳۹۷). *چیستی و چگونگی فلسفه ورزی و پیامدهای آن در فرایند تدریس معلمان*. پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت. ۸ (۱)، ۶۶-۴۳.
- Alemdar, M. & Aytac, A. (2022). The impact of teachers' educational philosophy tendencies on their curriculum autonomy. *Journal of Pedagogical Research*. 6 (1): 270-285
- Barsh, R. (2017). Exploring the relationship between teacher spirituality and teacher self-efficacy. In *The Pedagogy of Shalom* (pp. 185-200). Springer, Singapore
- Bloom, B & Crabtree, B. (2006). The qualitative research interview. *Medical Education* 40(4):314-21
- Boye, A. (2023). Writing Your Teaching Philosophy. https://www.depts.ttu.edu/tlpdc/Resources/Teaching_resources/TLPDC_teaching_resources/WritingYourTeachingPhilosophywhitepaper-Revised2023_FINAL.pdf
- Chapnick, A. (2009). How to Write a Philosophy of Teaching and Learning Statement. In: Examples and Tips on How to Write a Teaching Philosophy Statement. <https://www.facultyfocus.com/wp-content/uploads/2019/12/Final-Philosophy-of-Teaching-Statements-1.pdf>
- Chism, N. (1998). Developing a Philosophy of Teaching Statement. *Toward the Best in Academy*. 9 (3), <https://podnetwork.org/content/uploads/V9-N3-Chism.pdf>
- Dewey, J. (1910). *Democracy and Education*. <https://nsee.memberclicks.net/assets/docs/KnowledgeCenter/BuildingExpEduc/BooksReport%20s/10.%20democracy%20and%20education%20by%20dewey.pdf>
- Flick, U. (2009). *An introduction to qualitative research* (H. Jalili, Trans.). Tehran: Nay Publishing. (Original work published 2006) (Text in Persian).
- Grant, C. & Zeichner, K. (1984). On Becoming Reflective Teacher. https://people.wou.edu/~girodm/foundations/Grant_and_Zeichner.pdf
- Giroux, H. (1985). *Teachers as intellectuals: Toward a Critical Pedagogy of Learning*, New York, and Bergin & Garvey.
- Gomez, C. (2017). Introduction: Becoming teachers and the value of philosophical thinking. In: Gomez C.; Mutch, C.; Tatebe J (Eds.) *Understanding Enduring Ideas in Education A Response to Those who 'just Want to be a Teacher'* 9-25
- Harden, R. & Crosby, J. (2000). The good teacher is more than a lecturer the twelve roles of the teacher. *Medical Teacher*. 22 (4): 334-348

-
- Higgins, C. (2011). *The Good Life of Teaching*. A John Wiley & Sons, Ltd., Publication
 - Karimi, S., & Nasr, A. R. (2013). Methods of analyzing interview data. *Meyar-e Pajhuhesh dar Olum-e Ansani*, 7, 71-94. (Text In Persian)
 - Korthagen, F. (2004). In search of the essence of a good teacher: towards a more holistic approach in teacher education. *Teaching and Teacher Education*, No. 60: 234- 244
 - Mandernach, J. (2009). My Teaching Philosophy: A Dynamic Interaction Between Pedagogy and Personality. In: Examples and Tips on How to Write a Teaching Philosophy Statement. <https://www.facultyfocus.com/wp-content/uploads/2019/12/Final-Philosophy-of-Teaching-Statements-1.pdf>
 - Palmer, P. (2007). *The Courage to Teach*. San Francisco Jossey- Bass Publisher
 - Price, K. (2007). Is a Philosophy of Education Necessary? In: Beheshti, S. (Eds.) *Philosophy of Education in the West*. Tehran: Entesharat Ettelaat Press. (In Persian)
 - Pula, V. (2016). An Introduction to the Grounded Theory Approach in Social Research. *International Journal of Social Work and Human Services Practice*. 4(4):75-81
 - O'Farrell, C. (2015). Writing a Teaching Philosophy Statement. <https://www.mic.ul.ie/sites/default/files/uploads/21/OFarrell%20-%20Writing%20a%20Teaching%20Philosophy%20Statement.pdf>
 - Schon, D. (1987). *Educating Reflective Practitioner*. London: Jossey-Bass Publishers
 - Smith, P. (2007). What is Philosophy of Education? In: Beheshti, S. (Eds.) *Philosophy of Education in the West*. Tehran: Entesharat Ettelaat Press. (In Persian)
 - Urrete, J. (2023). The Impact of Educational Philosophies on Teaching Practices: A Study on the Reflection of Different Philosophies in the Classroom. *International Journal for Multidisciplinary Research*. 5 (5).
 - Zhang, K. C., & Wu, I. (2016). Towards a holistic teacher education: Spirituality and special education teacher training. In M. de Souza, J. Watson, & J. Bone (Eds.), *Spirituality across disciplines* (pp.135-147). Melbourne, Australia: Springer
-